

نوع مقاله: ترویجی

رفتارشناسی سیاسی تطبیقی عایشه زوجه پیامبر ﷺ در دوره خلافت امیر مؤمنان علیؓ بر پایه نامه‌ها

gho.ali2198@gmail.com

علیرضا غلامپور / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

دریافت: ۹۹/۱۲/۱۷

چکیده

محتوای نامه‌ها در منابع تاریخی به منظور شناخت رفتار سیاسی افراد حائز اهمیت است. این مقاله تلاش دارد با روش تحلیلی - تطبیقی نامه‌های عایشه زوجه رسول خدا ﷺ در دوره خلافت امیر مؤمنان علیؓ و نیز نامه‌هایی که به وی ارسال شده را جهت تطبیق با عملکرد وی مورد ارزیابی قرار دهد. مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو این است که تا چه میزان این نامه‌ها می‌تواند در ارائه رفتار سیاسی عایشه مؤثر باشد؛ و آیا میان مضامین و ادعاهای مندرج در نامه‌های عایشه، با عملکرد سیاسی او مطابقت و هم‌خوانی وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ادعاهای عایشه همچون پیروی از حق، اصلاح امور امت، خون‌خواهی عثمان، رجوع مردم به او جهت خون‌خواهی و غصب خلافت توسط امیر مؤمنان علیؓ با مجموعه گزارش‌های تاریخی از عملکرد وی، نه تنها مطابقت و هم‌خوانی ندارد، بلکه در تضاد نیز بوده است.

کلیدواژه‌ها: رفتارشناسی سیاسی، رفتار سیاسی عایشه، خون‌خواهی عثمان، مخالفان امیر مؤمنان علیؓ.

مقدمه

جایگاه مکاتبات و نامه‌ها در دوره خلافت امیرمؤمنان علیؓ خصوصاً فتنهٔ جمل، به منظور شناسایی رفتار سیاسی عایشه زوجه پیامبرؐ و تعیین میزان انطباق محتوای نامه‌های وی با افعال و مواضع او از اهداف این پژوهش است. سؤال اصلی پژوهش این است که تا چه میزان این نامه‌ها می‌تواند در رفتارشناسی سیاسی عایشه مؤثر باشد؛ و آیا میان مضامین و ادعاهای مندرج در نامه‌های عایشه و عملکرد سیاسی او مطابقت و هم‌خوانی وجود دارد؟

ابزار تحقیق منابع تاریخی و روایی است که با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی داده‌ها به دست می‌آید. محدودیت تحقیقی این پژوهش بیشتر ناشی از موقعیت عایشه و ضرورت احترام به وی در نزد اهل سنت است؛ و لکن گریزی از ارائه اسناد و مدارک و گزارش‌های تاریخی فریقین در بیان رفتار سیاسی او نیست. نکته دیگر اینکه سعی شده تا نام علیؓ بدون در نظر گرفتن مقام امامتی ایشان و صرفاً با تأکید بر مقام خلافتی وی آورده شود تا شائبهٔ هرگونه پیش‌داوری فرقه‌ای روی ندهد.

در خصوص عایشه و شخصیت وی، تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است که عمدتاً به موضوع جنگ جمل و نقش او پرداخته‌اند. اما با عنوان بررسی رفتارشناسی تطبیقی بر پایهٔ نامه‌ها، اثری نمی‌توان یافت. تنها اثری که با موضوع این پژوهش به‌عنوان پیشینه نزدیک است «رفتارشناسی سیاسی طلحه و زبیر بر پایهٔ نامه‌ها» (غلامپور، ۱۳۹۳) می‌باشد. مقالهٔ دیگر که به نامه‌ها در این دوره پرداخته، «ساختارشناسی نامه‌های امام علیؓ در نهج‌البلاغه» (بنی‌اسدالله، ۱۳۸۸) است، که به انواع نامه‌ها و دسته‌بندی آن توجه داشته؛ و دیگر مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و نقد نامه‌های معاویه به امیرالمؤمنینؓ» (ایزدی و جانی‌پور، ۱۳۹۰) است که به بررسی ادبی و ظرافت‌های موجود در نامه‌های آنها پرداخته‌اند.

قتل عثمان بر اثر هجوم مخالفان او به مدینه و عدم همراهی مردم در حمایت از وی، منجر به انتقال خلافت به امیرمؤمنان علیؓ و بیعت آشکار اکثریت انصار و مهاجرین با وی گردید. اعتراضات علیه عثمان و پیش‌بینی قتل او و گزارش‌های تأییدکنندهٔ آن (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۱) موجب گردید تا مخالفان امیرمؤمنان علیؓ در فکر دست‌اندازی به خلافت باشند، و تنها راه برای مخدوش کردن خلافت امیرمؤمنان علیؓ، راه‌اندازی پروسهٔ

خون‌خواهی عثمان و تجهیز و بسیج همهٔ امکانات مادی و معنوی علیه آن حضرت بود. در این بین اقدام عجیب و برخلاف انتظار عایشه زوجهٔ پیامبر اکرمؐ در مکه در طرح ادعای خون‌خواهی عثمان، که همواره او را کافر و نعل می‌خواند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۷؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۵۵؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۷۷؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۷) حکایت از جریانی داشت که در ابتدا سهم‌خواهی سپس به خون‌خواهی عثمان و در مرحلهٔ آخر به فضیلت قتل علیؓ منتهی گردید.

پژوهش پیش‌رو با تأکید بر نامه‌های عایشه به‌دنبال شناخت میزان مطابقت بین ادعاهای وی و عملکرد او در عرصهٔ میدان سیاست است. نامه‌های این دوره بر پایهٔ موقعیت اجتماعی نویسندگان آن، شامل «اصحاب» رسول خداﷺ و نیز همسران پیامبر اکرمؐ که به دلیل جایگاه ایمانی و به‌عنوان حریم پیامبر اکرمؐ از موقعیت اجتماعی ممتازی برخوردار بودند و تابعین که رسول خداﷺ را درک نکرده و یا در دورهٔ حیات پیامبرؐ سن و سالی نداشته‌اند (ابن‌صلاح، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۹) و نیز بر پایهٔ محتوا و مضامین آن و بر پایهٔ وضعیت صدور آن، دسته‌بندی کرد.

نامه‌های این دوره از ابتدای خلافت علیؓ به تناسب موضوعات سیاسی به سه دسته عمده تقسیم می‌گردد:

۱. محتوای نامه‌ها براساس قتل و خون‌خواهی عثمان: این موضوع در اکثر مکاتبات این دوره از سوی مخالفان علیؓ مطرح بوده و از این موضوع به‌عنوان تنها دلیل تحریک مردم برای تضعیف حکومت علیؓ و توجیه مخالفت خود بهره می‌جستند. عموم نامه‌های ناگنین بخصوص عایشه در این موضوع می‌گنجد. ۲. محتوای نامه‌ها با تکیه بر بیعت با علیؓ؛ ۳. محتوای نامه‌ها با تأکید بر حکمیت.

۱. رفتارشناسی سیاسی عایشه در دوره خلافت

علی بن ابی‌طالبؓ بر پایه نامه‌ها

عایشه دختر ابوبکر، و همسر پیامبرؐ پس از مرگ ایشان به شخصیتی مؤثر تبدیل شد که حوادث زیادی را پدید آورد. مهم‌ترین بخش زندگانی عایشه مربوط به دوران خلافت عثمان و علیؓ است که مردم را علیه آنها شوراند و با کافر خواندن عثمان (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۷۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۸۷) موجب طغیان مردم و

آرام ساخت و تو آن را بلند نکن و فریاد برنیاور. تو به تحقیق می‌دانی که اگر ستون دین کج گردد، به واسطه همت زنان راست نمی‌شود و به واسطه زنان کار دین درست نمی‌شود. صفت پسندیده زن پوشاندن چشم از دیدن حرام است. جواب رسول خداﷺ را درحالی که آواره کوه‌ها و دشت‌ها هستی و بر پشت شتری نشسته‌ای و از چشمه‌ای به چشمه دیگر می‌روی، چه خواهی داد؟ خداوند بینای توست و بر رسولش وارد خواهی شد. حجابی را که خداوند بر تو مقدر کرده است، شکسته و عهد و پیمان او را به سویی انداخته‌ای. به خدا سوگند من از اینکه حجابی را که خدا بر من نهاده است، کنار زنم، شرم دارم. حجاب را برای خود همچون دژ محکمی قرار ده تا زمانی که رسول خداﷺ را دیدار کنی و اگر کلامی را که رسول خداﷺ گفته است، برایت بگویم؛ همچون مار گزیده بر خود خواهی پیچید. والسلام» (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ص ۸۳؛ ابن عبدالربه، ۱۹۹۹، ج ۳، ص ۶۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۹).

– نامه ام‌سلمه به علیؑ

«أما بعد؛ امیرالمؤمنین علی بدانند که طلحه و زبیر و عایشه در مکه سپاهی گرد آوردند که خون عثمان طلب کنند و به اتفاق عبدالله بن عامر طریق بصره پیش داشته‌اند. خداوند تو را از شر ایشان بازدارد. و اگر نه آن بود که خداوند زنان را از بیرون شدن از خانه نهی فرمود؛ در رکاب تو می‌آمدم...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۹).

– نامه عایشه به زیدبن صوحان

اما بعد، چون این نامه من به دست تو رسید، در خانه خود قیام کن و مردم را از یاری علی بازدار، تا فرمان من به تو برسد و امید است از تو اخباری به من برسد که از آن خشنود گردم و تو از مطمئن‌ترین افراد در نظر منی. والسلام» (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۶۰، طبری، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۴۰۳؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۹، ص ۳۷۵).

– نامه عایشه به حفصه

«تو را آگاه سازم از اینکه علی در ذی‌قار وارد شده و پس از آگاهی از تو توان و تعداد ما، دچار ترس گشته و مانند اسب اشقری است که نه توان جلو آمدن دارد و نه توان عقب نشستن؛ و در هر دو صورت، او محکوم به خواری است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۹۳).

کشتن او شد. او با همکاری طلحا و طلحه و زبیر، جنگ جمل را بر علیؑ تحمیل کرد که خون‌های بسیاری از مسلمانان ریخته شد. او پس از جنگ از کرده خود بسیار نادم شده و همواره می‌گفت: به خدا سوگند، دوست داشتم بیست سال پیش از این روز، مُرده بودم (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۸۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۴۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۴). وی در دوره خلافت معاویه به سال ۵۸ هجری در سن ۶۷ سالگی فوت کرد.

۲. دسته‌بندی و محتوای نامه‌های عایشه

مجموعه نامه‌هایی که در این مقطع زمانی به عایشه منسوب و یا مربوط است، در این مقاله گردآوری گردیده و نکته حائز اهمیت این است که تمام این نامه‌ها در برهه زمانی پس از کشته شدن عثمان تا پایان جنگ جمل است.

نامه‌های مربوط به عایشه در سه بخش دسته‌بندی می‌شوند:

۱. نامه‌هایی که عایشه خودخواسته به دیگران به‌طور خاص ارسال کرده؛ مانند: نامه به زیدبن صوحان، حفصه همسر پیامبر ﷺ و یا به طور عام به مردم مدینه، مردم یمامه و مردم کوفه ارسال کرده است.
۲. نامه‌های انتقادی و ارشادی دیگران به عایشه، که شامل نامه‌های کسانی است که به‌طور خودخواسته به عایشه نامه فرستادند و آنها را نامه‌های ابتکاری می‌نامیم. نویسندگان این نامه‌ها تلاش داشتند تا ضمن نصیحت و یادآوری نکات ضروری، دلایل اقدامات یا نتایج رفتار او را به وی گوشزد کنند. از جمله این مکاتبات می‌توان به نامه‌های ارسالی ام‌سلمه همسر پیامبر ﷺ، مالک اشتر و علیؑ اشاره کرد.

۲-۱. جوابیه‌های عایشه به نامه‌های دیگران

انتساب این نامه‌ها به اشخاص موجود، مورد تأیید منابع شیعه و سنی است. اشاره منابع مهم به متن این نامه‌ها و نویسندگان آنها بدون اختلاف نظر و یا تشکیک در آن، صحت انتساب را تأیید می‌کند.

۲-۲. متن نامه‌ها

– نامه ام‌سلمه به عایشه

«أما بعد؛ عایشه تو دروازه‌ای هستی میان رسول خداﷺ و امت او، حجاب تو همچنان بر حرمتش باقی است. قرآن کریم اعمال تو را محدود ساخته و تو نمی‌بایست آن اعمال را فراخی دهی. صدایت را

– نامه عایشه به مردم مدینه

نشوند؛ اما خیانت آوردند... بیعت طلحه و زبیر را حجت آوردند...»
(طبری، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۳۳۸۹).

– نامه عایشه به مردم یمامه و اطراف آن

«اما بعد... همگان به ریسمان خدا چنگ زنید و همراه کتاب خدا باشید و بدانید که مادر شما [عایشه] در آنچه شما را به آن فرامی‌خواند خیرخواه شماس و اینکه برای خدا خشم گیرید و با کسی که خلیفه محترمی را کشته و حکومت مسلمانان را از دست آنان بیرون کشیده است، جنگ کنید که خداوند با او ستیز خواهد کرد... ما روی به بصره آوردیم تا مردم را به کتاب خدا فراخوانیم و اینکه قرآن را میان خود حکم قرار دهند و این کار موجب خشنودی آنان و اتفاق نظر ایشان در کارشان شد و در این مورد بر مسلمانان است که برای رضای خداوند اطاعت کنند. ولی چون به بصره نزدیک شدیم و پسر حنیف خبر آمدن ما را شنید، لشکرهایی جمع کرد و به آنان فرمان داد که با اسلحه با ما رویاروی شوند و با ما جنگ کنند و ما را برانند، و درباره ما گواهی بر کفر دادند و سخنان ناروا و زشت درباره ما گفتند... تا آنکه روز جمعه فرارسید و پس از نماز که مردم پراکنده شدند، طلحه و زبیر همراه مسلمانان با زور مسجد را گشودند و عبدالله بن زبیر را مأمور نماز گزاردن با مردم کردند... اکنون ای بندگان خدا! این موضوع را به اطلاع شما می‌رسانیم تا برای نصرت دین خدا و قیام و خشم برای آن خلیفه مظلوم [عثمان] آماده شوید» (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲).

– نامه علیؓ به عایشه

«اما بعد، ای عایشه، تو بدان سبب که از خانه بیرون آمدی، برابر خدای تعالی و رسول او عاصی شدی و طلب کاری گرفته‌ای که خدای سبحان تو را از آن کار فراغت داده است و ادعا می‌کنی که به سبب اصلاح کار مسلمانان از خانه بیرون آمده‌ام! خود با من بگوی که زنان را با لشکر کشیدن و میان مردان صلاح کردن چه کار باشد؟ در افواه انداخته‌ای که خون عثمان می‌طلبم. میان تو و عثمان چه خویشاوندی و قرابتی است؟ عثمان مردی از بنی‌امیه و تو از بنی‌تیم‌بن مره‌بن کنانه هستی. گناه تو که از خانه بیرون آمدی و خویش و خلق را در معرض بلا افکنده‌ای، بیشتر از گناه کسانی است که عثمان را بکشیدند. من می‌دانم که تو به خویشتن این کار

اما بعد، همانا که خداوند حق را آشکار و حق‌طلبان را یاری داد و به‌درستی که خداوند متعال فرموده است: «بلکه ما همیشه حق را بر باطل پیروز می‌گردانیم و باطل از میان رفتنی است». وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید؛ اکنون ای بندگان خدا از خدا بترسید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید و همگان به ریسمان خدا چنگ زنید و بر حق تمسک جوید و برای خود بهانه‌ای قرار مدهید، که خداوند مردم بصره را هماهنگ قرار داد و ایشان زبیرین عوام را بر خود امیر ساختند و او فرمانده لشکرهاست و همگان سخن او را می‌پذیرند و بر فرمانبرداری از او هماهنگ و یکدل‌اند و مؤمنان پس از رایزنی با یکدیگر و در حضور جمع، بر این کار اتفاق کرده‌اند. ما هم در این کار پسندیده که ایشان وارد شده‌اند، در آمده‌ایم. اکنون چون این نامه من به دست شما رسد، بشنوید و اطاعت کنید و در این فرمان خدا که شنیدید، یاری دهید» (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹۱).

– نامه عایشه به مردم کوفه

«اما بعد، خدای عزوجل و اسلام را به یادتان می‌آورم. کتاب خدا را به وسیله روان کردن احکام آن به‌پا دارید؛ از خدا بترسید و همگی به ریسمان وی چنگ بزیند و با کتاب خدا باشید؛ ما به بصره آمدیم و مردم را دعوت کردیم که به وسیله روان کردن حدود خدا کتاب وی را به‌پا دارند... «دشمنی کردند و ما را کافر خواندند و ناروا به ما گفتند و ما این آیه قرآن را برایشان خواندیم: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ» (آل عمران: ۲۲)... عثمان بن حنیف سوگندشان داد که با من بجنگند. خدا به وسیله صلحای قوم مرا حمایت کرد و مکرشان را به خودشان بازگردانید... از قاتلان عثمان بن عفان چشم‌نپوشید تا خدا حق خویش را بگیرد؛ از خائنان حمایت و طرفداری نکنید و از کسانی که مشمول حدود خدا شده‌اند، خشنود نباشید که ستمگر شوید؛ نام اینان را برای کسانی نوشته‌ام؛ مردم را از حمایت و یاری آنها بدارید و در خانه‌های خویش بمانید که این قوم به آنچه با عثمان بن عفان کردند و تفرقه در جماعت مسلمانان آوردند و مخالفت کتاب و سنت کردند، بس نکردند. ما را به سبب آنکه گفته بودیم و ترغیبشان کرده بودیم که کتاب خدا را بپا دارند و حدود وی را روان کنند، کافر شمردند و ناروا گفتند... دعوتشان می‌کردیم که به حق گرایند و میان ما و حق حایل

نمی‌کنی؛ جماعتی تو را بر این کار می‌دارند و تو را به سبب خون عثمان در خشم آورده‌اند. از خدا بترس ای عایشه، به خانه خود بازگرد و در پس پرده بنشین که صلاح کار زنان در آن است که ملازم خانه باشند و پای بیرون نهند» (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ص ۴۲۱).

- نامه مالک اشتر به عایشه

«اما بعد، ای عایشه، تو پرده‌نشین رسول خدایی و حضرت به تو امر فرموده است که در خانه خود بنشینی و اگر فرمان آن جناب به‌جا نیآوری و در میان مردم درآیی و پرده خود را بدری، با تو جنگ خواهم کرد تا آنکه تو را به خانه‌ات برگردانم» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۰).

- جوابیه عایشه به نامه ام‌سلمه

«اما بعد، چه نیکو موعظه و نصیحتی! راه من آن نیست که تو گمان کرده‌ای. دو گروه از مسلمانان روی به سوی من کرده‌اند؛ اگر توانا بر کاری باشم، انجام می‌دهم و اگر برایم مقدور باشد، از ثروت خود در این راه می‌گذرم. والسلام» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۹؛ ابن‌عبدالربیه، ۱۹۹۹، ج ۳، ص ۶۹).

- جوابیه عایشه به نامه مالک اشتر

«تو اول کسی هستی که فتنه بر پا کردی و تفرقه در میان مردم افکندی و مخالفت خلفای پیغمبر کردی و سعی در کشتن خلیفه (عثمان) کردی و تو می‌دانی چه کردی با خلیفه مظلوم؛ و نامه تو به من رسید و به مضمون آن مطلع گردیدم و به این زودی انتقام از تو و یارانت خواهم کشید؛ والسلام» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۹؛ زکی صفوت، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۷).

۳. محورهای شاخص در نامه‌های عایشه

در تمامی نامه‌هایی که عایشه به دیگران ارسال کرده، تلاش کرد تا رفتار سیاسی خود را با این معیارها توجیه کند:

۱. رجوع مردم به او برای خون‌خواهی عثمان؛
۲. متهم کردن مخالفان عثمان به تفرقه‌اندازی در میان مردم؛
۳. تهدید به انتقام از معترضین به عثمان، بخصوص مالک اشتر؛
۴. نادیده انگاشتن اهمیت گفت‌وگو با خلیفه مسلمین و عدم توجه به نصایح علیؓ؛

۵. تابع حق دانستن رفتار سیاسی خویش؛
۶. اعلام امارت زیر و وحدت اهل بصره در قیام علیه خلیفه مسلمین علیؓ؛

۷. مدعی بودن مطابقت رفتارش با کتاب خدا و دعوت مردم به آن؛

۸. دعوت مردم به خون‌خواهی عثمان؛

۹. خیرخواه دانستن خود برای مردم در قیام علیه خلیفه

مسلمین علیؓ؛

۱۰. دعوت از مردم برای جنگ با علیؓ و نسبت دادن قتل

عثمان و سرقت کردن خلافت مسلمانان از ایشان؛

۱۱. ادعای حکم قرار دادن قرآن و عمل کردن به آن؛

۱۲. تلاش برای جذب یاران علیؓ و تحریک آنها به قیام علیه علیؓ؛

تحریک زبیدین صوحان عبیدی که از بزرگان قبیله عبدالقیس و از

تبار ربیعیه بود و رسول خداﷺ از وی به نیکی یاد فرمود؛ از آن جمله است.

عایشه به او می‌نویسد: «در خانه خود قیام کن و مردم را از

یاری علی بازدار؛ امید است از تو اخباری به من برسد که از آن

خشنود گردم. تو از مطمئن‌ترین افراد در نظر منی» (ابن‌اعثم،

۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۳۸۹).

۴. فهرست ادعاهای عایشه در مکاتبات او

۱. ادعای پیروی از فرامین الهی و دعوت مردم به آن؛

۲. ادعای پیروی از سنت پیامبر اکرم ﷺ؛

۳. ادعای خیرخواهی و اصلاح برای امت اسلام؛

۴. ادعای حقانیت مواضع سیاسی خود؛

۵. ادعای صداقت در بیان؛

۶. ادعای دخالت و دست داشتن علیؓ در قتل عثمان و

غصب خلافت.

از مجموعه نامه‌هایی که به عایشه توسط شخصیت‌های مختلف

بخصوص علیؓ ارسال گردید اقدامات وی به دلایل زیر مورد انتقاد واقع شد:

۱. مخالفت رفتار عایشه با فرامین الهی و سنت رسول خداﷺ؛

۲. مغایرت رفتار عایشه با ادعای اصلاح میام مردم؛

۳. مغایرت ادعای حقانیت عایشه با اقدامات و تلاش‌های وی؛

۴. عصیان عایشه نسبت به خدا و رسول او؛

۵. عدم ارتباط خویشاوندی میان وی و عثمان؛

۶. تحریک‌شدن عایشه به دست دیگران.

۱-۴. بررسی سیاست‌های عایشه در ارسال

نامه‌های عمومی

ارسال نامه از سوی عایشه برای عموم مردم از جمله مردم مدینه، یمامه و کوفه، ناشی از چند موضوع بود. اول پاسخ به حمله‌های گسترده افراد موجه و غیرموجه به لحاظ موقعیت ایمانی و سیاسی آنها در مورد درگیر کردن عایشه در مسئله‌ای که به اتفاق همگان یک اقدام خودسرانه و نامطلوب و خارج از انتظار مسلمانان از زوجهٔ پیامبر ﷺ بود که روح عایشه را شدیداً آزرده کرده بود و بایستی آن را توجیه کند؛ و دیگر تأثیر جبهه‌بندی امویان و بنی‌العاص و نیز جریان طلقا و همچنین اصحاب ناراضی از قدرت گرفتن علی ﷺ بود. نکتهٔ مهم در بروز سخنرانی‌ها و نیز نامه‌نگاری‌ها برای عموم این شهرها تحت خبرهای بصره نیز بود. حوادث در بصره و خصوصاً اذیت و آزار عثمان بن حنیف به دستور عایشه از این جمله بود (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۸).

۱. توجیه رفتار خود در خروج از خانه و حریم رسول خدا ﷺ؛
۲. دعوت به حق و پرهیز از بهانه‌جویی را مبنای رفتار خود می‌داند؛
۳. شرح اوضاع سیاسی و اعلام ناراحتی از آنچه که مردم مدینه در مورد او وصف می‌کنند!
۴. اعلام انتخاب زبیر به فرماندهی سپاه با توافق مؤمنان بصره.

۵. راستی‌آزمایی ادعاهای عایشه و میزان انطباق آن

با رفتار سیاسی وی

۱-۵. ادعای «دعوت به تقوای الهی»

«دعوت به تقوای الهی» یکی از معیارهای مورد ادعای عایشه در این نامه‌هاست. معیاری که بارها از سوی دیگران به وی گوشزد می‌شد و او را در اتخاذ تصمیماتش و نیز موضعی که به کار گرفته به رعایت تقوای الهی دعوت می‌کردند. یادآوری اخبار غیبی رسول خدا ﷺ خطاب به عایشه، یکی از این دعوت‌ها به تقوای الهی بود. در هنگامی که عایشه تلاش داشت تا در مکه، ام‌سلمه را همراه خود علیه علی ﷺ تحریک کند، او اخباری از پیامبر ﷺ در مورد ایمان و تقوای الهی علی ﷺ به یادش آورد و به وی گوشزد کرد که «مبادا تو همان زنی باشی که بر علیه علی ﷺ قیام کنی درحالی‌که سگ‌های منطقه «حواب» بر او بانگ زنند» (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۷، ص ۳۴۹؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ص ۹۱؛ طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۹۶).

وقتی علی ﷺ در میدان جنگ، زبیر را طلبید تا سخنان رسول

خدا ﷺ را به یادش آورد؛ زبیر به محض شنیدن، بی‌درنگ آن را پذیرفت و گفت فراموش کرده بودم و از میدان جنگ بیرون رفت و به پسرش عبدالله گفت علی مرا به یاد مطالبی انداخت که تاکنون به یاد نداشتم. ای کاش زودتر این را می‌دانستم تا پا در این راه نمی‌گذاشتم (طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۸۵)؛ اما عایشه این رفتار را ناشی از ترس زبیر از شمشیر بنی‌هاشم قلمداد کرد و او را سرزنش کرد (همان). این مواضع نمی‌تواند صحت ادعای عایشه را تأیید کند. پارس کردن سگ‌های «حواب» برای عایشه آزمونی بود تا از خطای خویش پشیمان شود و از ادامه سیاست خود در مقابله با علی ﷺ خودداری کند. عایشه تقوای الهی را باید از جایی شروع می‌کرد که خود بدان دعوت شده است. وقتی فرامین الهی را کنار گذاشت، دیگر چگونه می‌توانست مردم را به تقوای الهی دعوت کند. عایشه خوب می‌دانست در حالی با علی ﷺ و خلیفهٔ مسلمانان به جنگ برخاست که در این جنگ از جانب خداوند و رسولش حجتی نداشت.

۲-۵. ادعای «حق‌طلبی»

«حق‌طلبی» موضوعی دیگر در نامه‌های عایشه است. فراخواندن مردم مدینه به سوی خود و طلحه و زبیر را، دعوت به حق دانسته و عدم پیوستن مردم مدینه را بهانه‌گیری آنها معرفی کرده است. فراوانی جملات اینچینی در متن نامه‌های عایشه نمایانگر تلاش وی در تحریک بیشتر جامعه به منظور توجیه رفتاری است که تنها با این ادعا قابل پی‌گیری است. عدم پیوستن مردم مدینه و نیز دیگر نواحی به اردوی سیاسی این جبهه، می‌توانست در انجام این اقدام عایشه مؤثر باشد. فراخوانی مبتنی بر اصل دعوت به حق، مستلزم نشانه‌هایی است که حقانیت در آن مشاهده می‌گردید؛ اما این در حالی بود که هیچ تأییدی بر حقانیت ادعای عایشه و جنبش سیاسی وی در بیان محوری‌ترین افراد جامعه یعنی صحابه رسول خدا ﷺ وجود نداشت.

اصحاب مشهوری مانند سعد بن ابی‌وقاص، عمار، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، حجر بن عدی و دیگران، حتی محمد بن ابی‌بکر نیز ادعای وی را تأیید نکردند. سؤالات متعدد مردم بصره این بود که چرا عایشه در مسیر طلب حق، به سوی مدینه حرکت نمی‌کند؟ بصری‌ها خطاب به عایشه، طلحه و زبیر گفتند: «اینها نامه‌های شماست که به دست ما رسیده و حاکی از عیب‌هایی است که بر عثمان می‌گرفتید و اطلاع داریم که شما مردم را علیه او می‌شوراندید، تا اینکه او کشته

این کار را بر عهد، عبدالله بن زبیر گذاشت. مورد دیگر اینکه عایشه در این نامه می‌گوید: «امیری زبیر مورد توافق اهل بصره است»؛ این ادعا با گفتار طلحه نیز منافات داشت. طلحه در آخرین گفت‌وگویش با ابن عباس می‌گوید: «بدان هم اینک مردم یمن و نیز مکه با من بیعت کرده‌اند و برای مردم مدینه نیز نامه نوشته‌ام و علی جز جنگ و خواری راهی ندارد» (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵).

از سوی دیگر، وقتی زبیر از سوی طلحه و عایشه مؤاخذه می‌شود که چرا از خزانه بیت‌المال مستمری به مردم داده‌ای و دیگر مردم به دنبال ما نمی‌آیند؟ با عصبانیت گفت: «اگر دست از سرزنش من بردارید، به خدا سوگند به شام می‌روم؛ زیرا معاویه برای من از مردم شام بیعت گرفته است» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۸۱؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۸۱). همه این گزارش‌ها نشان‌دهنده اصرار عایشه به این امر است که جنبش سیاسی شکل گرفته، دارای یک رهبری شناخته‌شده‌ای مانند زبیر است، که هیچ اختلاف‌نظری برای خلافت او نیست. نامه عایشه به «یمامه» ظاهراً بنا به مشورت با یعلی بن منیه به منظور کسب حمایت مردم و یا توجیه اقدامات خود، نوشته شد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۳۴).

۵-۳. ادعای «خیرخواهی برای امت»

نکته‌ای که عایشه بر آن تأکید دارد، «خیرخواهی برای امت» است. وی این خیرخواهی را به‌طور مستقیم از طریق جنگ با علیؑ می‌داند. وی تلاش می‌کند مردم را علیه علیؑ تحریص به جنگ کند و دلیل آن را کشتن عثمان و سپس تصرف خلافت دانسته است. ادعایی که برای آن هیچ دلیلی اقامه نکرده و تنها تلاش دارد با تحریک احساسات مردم، شورش را بگستراند و در ضمن عمل خویش را توجیه کند. اینکه عایشه خود را خیرخواه دانسته، باید عملش در چارچوب رفتار خیرخواهانه ظهور کند. همچنان‌که پیش‌تر ذکر شد، با مطالعه منابع تاریخ اسلام و شهادت کسانی که از نزدیک شاهد حوادث مدینه بودند، عوامل دخیل در قتل عثمان، طلحه و زبیر بوده و عایشه از این موضوع آگاهی داشت. بنابراین امکان تجمیع کار خیر با روش ناکارآمد و مغرضانه، رفتاری پندارگونه و خلاف مصالح جامعه بوده است. عایشه با طرح این نکته که «راه من چیز دیگری غیر از آن است که او (امسلمه) گمان کرده‌است» (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰، ص ۸۳)، سعی دارد تا

شد. آن‌گاه در زمره گروهی از مردم با علی بیعت کردید و چنین خبر داریم بدون اینکه بدعتی از علیؑ سر زده باشد، پیمان او را شکسته و بیعت او را گسستید» (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). با اینکه طلحه و زبیر، خود به این جرم اعتراف می‌کردند؛ ادعای بر حق بودن عایشه جای تأمل دارد. طلحه اعتراف کرد که «عیب گرفتن من بر عثمان و شوراندن مردم علیه او حقیقت دارد و اتفاق افتاد و اینک برای خلاص شدن از آن گناه، راهی جز توبه و خون‌خواهی او نداریم» (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). مردم عبدالقیس در بصره، خطاب به عایشه، طلحه و زبیر گفتند: «شما از همه مردم بر عثمان سخت‌گیرتر بودید و چون عثمان کشته شد و مردم با علی بیعت کردند، آن‌گاه طلحه و زبیر در زمره ایشان با او بیعت کردند و خبر بیعت این دو نفر به ما رسیده و ما با علی نیز بیعت کردیم؛ و به خدا سوگند اینک نه خلیفه خود را خلع می‌کنیم و نه بیعت خود را می‌شکنیم» (همان).

اعتراف عایشه به نقش طلحه و زبیر در قتل عثمان و نیز بیعت آنها با امام علیؑ در کتاب *الجمال* این‌گونه آمده است: «طلحه نزد عایشه رفت. چون چشم عایشه به وی افتاد، گفت: ای ابومحمد! عثمان را کشتی و با علی بیعت کردی؟! طلحه به او گفت: مادر جان! داستان من چیزی نیست، جز همان که آن شاعر جاهلی گفته است: پشیمان شدم، همچون پشیمانی آن مرد قبیله کُسع هنگامی که چشمانش دید که دستانش چه کرده‌اند. زبیر هم نزد عایشه آمد و بر او سلام کرد. عایشه به وی گفت: ای ابو عبدالله! در ریختن خون عثمان، شرکت جستی و آن‌گاه با علی بیعت کردی؛ درحالی که به خدا سوگند، از او به خلافت سزاوارتر بودی؟! زبیر گفت: اما آنچه درباره عثمان انجام دادم، از آن پشیمانم و از گناه خویش، به پیشگاه خدای خود پناه می‌برم و هرگز خون‌خواهی عثمان را رها نخواهم کرد. به خدا سوگند، با علی جز با اکراه بیعت نکردم. نابخردان مصری و عراقی، اطراف او را گرفته بودند و شمشیرهای خود را کشیده بودند و مردم را می‌ترساندند تا آنکه مردم با علی بیعت کردند (مفید، ۱۳۸۳، ص ۲۲۹).

از دیگر موارد ذکرشده در نامه عایشه، موضوع هماهنگ شدن مردم بصره با او و هم‌پیمانی آنها بر زعامت زبیر است. این ادعا با اخبار وارده در منابع تعارض دارد. گزارش‌های متعدد از اختلافات شدید میان طلحه و زبیر بر سر رهبری حکایت دارد. در موضوع «نماز جماعت» حاضر به پذیرش امامت یکدیگر نمی‌شدند. درگیری زبیر با طلحه بر سر اموال بیت‌المال بصره به جایی رسید که عایشه

۵.۴. ادعای «حکیمیت قرآن»

مطلب دیگری که عایشه در نامه به آن اشاره کرد «ادعای وی در حکم قرار دادن قرآن» برای اثبات نیت خیرخواهانه‌اش است. محققاً اگر چنین ادعایی مطرح می‌شد، علیؑ از آن استقبال می‌کرد. اما شواهد چیز دیگری را نشان می‌دهد.

علیؑ از عایشه و دو همراهش در خصوص تعیین قاتلین و کسانی که در آن واقعه نقش داشتند، خواستار تعیین حکم می‌شود؛ اما هیچ‌کدام از ایشان به درخواست آن حضرت جوابی نمی‌دهند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۰، ج ۷، ص ۱۴۳). از سوی دیگر، علیؑ قرآنی را به دست جوانی می‌دهد و او را می‌فرستد تا عایشه و طلحه و زبیر را از دست‌یازیدن به جنگ بازدارد. اما عایشه با دستور به حامیان خود مبنی بر کشتن آن جوان، حکیمیت قرآن را نپذیرفت. جوان در مقابل سپاه عایشه ایستاد و مردم را دعوت به کتاب خدا کرد و گفت علیؑ شما را دعوت به آن می‌کند. عایشه گفت: «او را با نیزه‌ها دریابید که خدایش زشت بدارد» (مفید، ۱۳۸۳، ص ۲۰۳). وقتی آن جوان کشته شد و جنازه‌اش را نزد علیؑ بردند گریست و فرمود خدایا این جوان آنان را به کتابت فراخواند و قرآن ایشان را تترساند. مادر آن جوان نیز خطاب به عایشه می‌سرود «درحالی‌که مادرشان (عایشه) ایستاده بود، از خونس نیزه‌های خود را رنگین ساختند و مادرشان آنان را به جنگ فرمان داد» (همان).

این رفتار عایشه دقیقاً برابر است با ادعای طلحه و زبیر در خصوص اتهام زدن به علیؑ و آن حضرت با طرح حکم برای تعیین دخالت هرکسی که در قتل عثمان شرکت داشته، آنها را در برابر امری قرار می‌دهد که ناتوان در پذیرش آن هستند.

۵.۵. ادعای «بیعت مردم با حقانیت خود»

یکی دیگر از معیارهای شناخت رفتار سیاسی عایشه، ادعای وی مبنی بر «بیعت مردم با حقانیت مواضع سیاسی خود» است. وی صحبت از «بیعت مردم با حق» کرده؛ اما آن را به وضوح روشن نمی‌سازد. تمسک به حق و پیروی از حق در مکاتبات وی بیشتر دعوت به پیروی از حکم خداوند است. عایشه به صورت کلی آیات خدا را بیان می‌کند؛ ولی معلوم نمی‌کند حقانیت مورد ادعای وی در چه موضوعی و با چه معیاری است. آیا جنگ با قاتلان عثمان منظور اوست؟ که در این صورت وی برخلاف منطق حاکم در جامعه آن

این‌گونه القا کند که نگرانی/مسلمه در خصوص فرامین الهی را در نظر داشته و توجیه رفتار خود را حرکت در مسیر خیرخواهی امت، فضیلت معرفی می‌کند. این درحالی بود که شورش وی و نیز راه افتادن در بیابان‌ها و در میان نامحرمان و خرج کردن اموال، تضاد جدی با انگیزه خیرخواهانه و اصلاح امت داشت. ادعای وی مبنی بر اینکه «احتمالی غیر از جنگ و به راه افتادن فتنه» را می‌داد، با مجموعه اقدامات او ناسازگاری کامل داشت. وی از همان ابتدا مسیر جنگ را برای برکناری علیؑ از خلافت انتخاب کرده بود. *ابن ابی‌الحدید* درباره سخن عایشه می‌گوید: «از این سخن عایشه چنین فهمیده می‌شود که وی برای قیام و خروج خود، فضیلت بیشتری قائل بوده؛ با اینکه بدی آن را می‌دانست، اما لجبازی می‌کرد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۲۴).

هرچند ممکن است برخی از روی خوش‌بینی عمل عایشه را نوعی خیرخواهی تلقی کنند؛ اما برآیند کار وی با منطق خیرخواهی، سازگاری نداشت. مسئله مهم این بود که وی برای هدف سیاسی خویش (خون‌خواهی عثمان)، مستقیماً سراغ گزینه جنگ رفت؛ و این نه تنها با روح میانجی‌گری و خیرخواهی منافات داشت؛ بلکه قاعدتاً حق شرعی ورود به آن را نداشت. *ابن‌حجر* روایت می‌کند روزی جنگ جمل به یاد عایشه آمد. او گفت: آیا هنوز مردم از جنگ جمل سخن می‌گویند؟ گفتند: آری. گفت: «دوست داشتیم در خانه می‌نشستیم، چنان که دیگران نشستند و این برای من دوست‌داشتنی‌تر از این بود که از پیامبر خداﷺ ده فرزند می‌داشتیم» (ابن‌حجر عسقلانی، ۲۰۰۱، ج ۱۳، ص ۵۵).

این سؤال مطرح است که چرا عایشه در نامه‌ای که به مدینه فرستاد این موضوع را بیان نکرد و نوشت که علیؑ عثمان را کشته و خلافت را به زور از مردم ربوده است؟! حقیقت اینجا روشن می‌شود که چنین ادعایی موجب پذیرش مردم مدینه واقع نمی‌شد. بنابراین در نامه‌ای که به مردم مدینه فرستاد، سعی داشت به مطالبی همچون بیعت مردم بصره با زبیر و اتفاق همگان بر امیری او بسنده کند. اما در نامه به یمامه و کوفه، به دلیل اینکه امکان با خبر شدن وقایع مدینه برای همگان وجود نداشت، و نیز مردم به اعتبار شخصیت زوجه پیامبر و دختر خلیفه اول مسلمانان، تحت تأثیر قرار گرفته و به گفتارش اعتماد می‌کنند، به راحتی اخبار را علیه علیؑ و به نفع خود و حقانیت سیاسی خویش منعکس کرد.

۵.۷. ادعای «پی‌گیری اقامه حدود الهی»

در این نامه‌ها انگیزه قیام عایشه، «اقامه حدود الهی» عنوان شده و خون‌خواهی عثمان را همان حدود الهی دانسته است. مسئله مهم آن است که عایشه نتوانست این انگیزه را برای مردم ثابت کند. اثبات این ادعا نیازمند چند دلیل موجه بود که نزد عایشه و همراهانش نبود. اول اینکه وی یکی از عوامل مؤثر در تحریک مردم به قتل عثمان بود؛ لذا اینکه عایشه می‌گوید: عده‌ای به ما ناسزا می‌گفتند، نشان‌دهنده عدم صحت این ادعاست. دوم اینکه حتی اگر مطالبه خون عثمان ادعای حقیقی وی بود، می‌بایست براساس روش مرسوم عمل می‌شد. حدود الهی در این مورد واضح بیان شده بود و فرزندان عثمان و نیز بزرگان قبیله او، برای طلب خون اولویت داشتند. عایشه اگر می‌خواست بر پایه دفاع از خون مظلوم، دست به اقدام شایسته زند، می‌توانست موضوع را از طریق مبادی خود پی‌گیری کند. پیش از این نیز مواردی از این دست به وجود آمده بود. موضوع قتل عمر و رفتار علیؓ در پی‌گیری عمل خودسرانه عبیدالله بن عمر در قصاص شتاب‌زده و بدون طی روند شرعی آن، موجد حرکتی این چنین شتابان نگردید. سوم نیز مشارکت (طلحه و زبیر) با کسانی بود که در دولت عثمان به روش‌های خلاف شرع، ثروت هنگفتی کسب کرده بودند. کسانی که رفتارشان تخلف از حدود الهی بود. چگونه کسی چون عایشه با آن همه اعتراضات بی‌شمار علیه عثمان به دلیل بذل و بخشش‌هایش به خویشاوندان، اینک با آن جماعت یک صدا و یک جبهه گردیده و با حمایت معاویه و طلقاء خواستار تخریب خلافت شایسته‌ترین فردی می‌گردند که تنها چهار ماه از خلافتش می‌گذرد. عایشه تقاضای همراهی مردم کوفه را دارد و در این مسیر، ظاهراً نامه‌ای به ابوموسیٰ/ اشعری ارسال داشته که از وی می‌خواهد مردم را در حمایت از خود بسیج کند و با حداقل مانع از همراهی آنها با علیؓ شود. این خود نشان‌دهنده دور بودن ادعای عایشه از حقیقت بود. در هر دو نامه ارسالی عایشه به کوفه، نمی‌گوید چرا باید علیه علیؓ قیام کنند، و یا دلایل قانع‌کننده‌ای برای متهم ساختن علیؓ ذکر نمی‌کند؛ درحالی‌که ایشان برای مردم کوفه نامه می‌فرستد که بیابید حرف مرا بشنوید؛ اگر ظالم بودم مرا رها کنید و اگر مورد ظلم واقع شدم، مرا یاری کنید (طبری، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۴۲۵). بنابر این میان ادعای عایشه و اقداماتش، توافقی معنادار وجود ندارد. علیؓ مخالفت با رفتار عایشه را در چند دلیل موجه اعلام کرد و عایشه در پاسخ آنها هیچ دلیل پسندیده‌ای نمی‌آورد.

روز رفتار کرده و حتی برخلاف قواعد قضاوت در قرآن و قواعد حاکم بر امر خون‌خواهی، عمل کرده است. اگر مراد عایشه در حقیقت، مطالبه «حق بر زمین» مانده باشد؛ می‌بایست دلایل این حقانیت را در چارچوب شرعی آن آشکار می‌ساخت. در واقع این رفتار عایشه دلیلی جز نارضایتی از استقرار خلافت برای علیؓ نداشت.

شواهد تاریخی نشانگر اهتمام جدی عایشه به خلافت طلحه بود و دلیل آن را نیز در میزان اهتمام وی به مناسبات قبیله‌ای باید جست‌وجو کرد. عایشه نیک می‌دانست بنی‌امیه هیچ‌گاه میدان را برای بنی‌هاشم ترک نمی‌کنند و جمع میان آنها امکان ندارد. وقتی خلافت با موافقت مردم به علیؓ رسید، عایشه به دنبال شوراندن مردم، شعار خون‌خواهی عثمان را مطرح ساخت و می‌گفت: «وی به زودی خلع خواهد شد» (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۷۵).

همکاری عایشه با مروان حکم، به‌عنوان عاملی که مسبب همه گرفتاری‌های عثمان بود، و نیز عدم موضع‌گیری وی علیه «اقدامات طلحه در خصوص تحریک مردم به قتل عثمان»، نشان از عدم شفافیت وی در ادعای خون عثمان بود. در واقع عایشه فقط خواهان عزل علیؓ از خلافت بود. ادعای عایشه مبنی بر صداقت در مواضع خود، می‌بایست موجب جدایی او از عناصری همچون مروان، طلحه و زبیر می‌شد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۷).

۵.۸. ادعای «نسبت کفر دادن کسانی به او»

ادعای عایشه مبنی بر «نسبت کفری» که از سوی مردم بصره به او داده‌اند، سیاست تحریک منفی بود. این احتمال که مردم وی را به دلیل نزول آیه از ۱۰ سوره «تحریم» که به موضوع عایشه و حفصه در خصوص اذیت و آزار وی که به پیامبر ﷺ وارد کرده بودند، و خداوند آنها را به زنان کافر نوح و لوط مثال زده بود، کافر خوانند، وجود داشت (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). وی با طرح این سخنان، سیاستی را جهت تحریک غیرت و عواطف دینی مردم به کار می‌برد تا از این طریق جریان مخالف خود را کسانی معرفی کند که حتی از اهانت و نسبت کفر به همسران رسول خدا ﷺ ابایی ندارند. البته گزارشی مبنی بر صحت ادعای عایشه نقل نشده است؛ اما در مشاجره میان عثمان با عایشه وقتی عایشه نسبت کفر را به عثمان می‌داد، عثمان نیز از کفر عایشه به خاطر نزول سوره «تحریم» یاد کرد (فخررازی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۴۹۲).

خطاب، آنان را در آن رها کرد، تا تو میان آنها صلح برقرار کنی (ابن‌عثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۵۲).

نتیجه‌گیری

با مطالعه دقیق نامه‌های مربوط به عایشه به‌عنوان یک شخصیت تأثیرگذار در دوره خلافت امیرمؤمنان علیؓ محورهای کلیدی مواضع سیاسی وی علیه ایشان بدین شرح می‌باشد:

- علت موضع‌گیری او در برابر حکومت علوی رجوع مردم به او برای خون‌خواهی عثمان بوده است.

- ایشان مخالفان عثمان را به تفرقه‌اندازی در میان مردم متهم می‌کرد.

- ایشان معترضین به عثمان را به انتقام گرفتن تهدید می‌کرد.
- وی مواضع و رفتار سیاسی خود را حق می‌دانست و می‌گفت کارهایش برای رضای خداوند است.

- وی مدعی بود رفتارش مطابق با کتاب خدا و دعوت مردم به آن است.
- او مدعی شد که برخی از مخالفانش او را کافر خوانده‌اند؛ لذا از «کافر» خوانده شدن خود ابراز ناراضی می‌کرد.

- وی می‌گفت قیامش علیه علیؓ از روی خیرخواهی برای مردم است.
- او از مردم بصره و کوفه برای جنگ با علیؓ دعوت کرد.
- عایشه مدعی حکم قرار دادن قرآن و عمل کردن به آن شد.
مهم‌ترین انتقادهای نامه‌های علیؓ و دیگران به مواضع و رفتار سیاسی عایشه، عبارتند از:

- رفتار عایشه با فرامین الهی و سنت رسول اللهؐ مخالفت دارد.
- رفتار عایشه با ادعای اصلاح میان مردم مغایرت دارد.
- ادعای حقانیت عایشه با اقدامات و تلاش‌های وی مغایرت دارد.
- ایشان عصیان عایشه نسبت به خدا و رسول او را اثبات می‌کرد.
- آنها معتقد بودند خویشاوندی میان عایشه و عثمان به مطالبه خون عثمان ارتباطی ندارد.

- آنان معتقد بودند عایشه به دست دیگران تحریک شده است.
با تحلیل بر محتوای نامه‌های عایشه و بررسی گزارش‌های تاریخی از رفتار و مواضع سیاسی او و نیز قضاوت دیگران، مواردی همچون خیرخواهی، اصلاح بین مردم، خون‌خواهی عثمان، حکم قرار دادن قرآن و عمل به آن، نه تنها تأیید نگردید؛ بلکه با دستورات خداوند و پیامبرؐ و انتظارات جامعه اسلامی از همسران پیامبرؐ نیز همخوانی ندارد.

الف مغایرت رفتار سیاسی عایشه با احکام الهی و سنت نبوی: علیؓ طلب خون‌خواهی عثمان را که ادعای سیاسی عایشه برای خروج بر خلیفهٔ مسلمین بود را تکلیف عایشه نمی‌داند و این ادعا را با دلایلی چند رد می‌کند:

۱. اینکه بین عایشه و عثمان هیچ قرابت و خویشاوندی وجود ندارد که وی را مکلف به خون‌خواهی عثمان کند. موضوعی که در گفت‌وگوی بسیاری از منتقدان، مانند /حنف بن قیس، /ام سلمه، زید بن صوحان و دیگران به وی گوشزد شده بود.

۲. اینکه خداوند در قرآن خطاب به همسران پیامبرؐ فرموده: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ» (احزاب: ۳۳)؛ و آنها را به ماندن در خانه‌های خود دعوت فرموده و تکلیف را از آنها در اموری اینچنینی برداشته است. بعدها وقتی عایشه این آیه را تلاوت می‌کرد، خود را سرزنش می‌کرد (ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۸۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ص ۲۰۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۰).

۳. عایشه به سبب همسری رسول خداؐ می‌بایست مطابق وظایف شرعی خود عمل کند. در مورد عثمان، عایشه نه تنها خود متهم به تحریک و دخالت در قتل او بود؛ بلکه اگر وی هیچ‌گونه نقشی در شورش علیه عثمان نیز نمی‌داشت، باید مسئله را از طریق صحیح و متناسب با توانش در حوزه عدالت و انصاف با خلیفه مسلمین در میان می‌گذاشت. *المناقب* به نقل از ابوعتیق آورده است: عایشه به عبدالله بن عمر گفت: ای ابوعبدالرحمان! چه چیزی جلوی تو را گرفت که مرا از رفتن [به جنگ با علی] باز بداری؟ عبدالله بن عمر گفت: دیدم مردی بر [فکر و کار] تو مسلط شده است، که یقین داشتیم با او مخالفت نمی‌کنی (مقصودش عبدالله بن زبیر بود). عایشه گفت: بدان که اگر تو مرا بازمی‌داشتی، دست به شورش نمی‌زد (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶، ص ۱۸۲؛ ماحوزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۷۷۶).

علیؓ دلیل خروج عایشه را تحریک دیگران دانسته است. آن حضرت با بیان این مطلب که جرم عایشه در پیشگاه خداوند از گناه کسانی که خون عثمان را ریخته‌اند، بیشتر است؛ اقدام وی را صرفاً یک ادعای ناشی از تحریک دیگران (طلحه و زبیر) دانسته است. *ابن‌عثم در الفتوح* به نقل از بلاذری آورده است: طلحه و زبیر نزد عایشه رفتند و او را به قیام فراخواندند. عایشه گفت: آیا مرا برای جنگ تحریک می‌کنید؟ گفتند: نه!! اما به مردم اعلام کن که عثمان مظلومانه کشته شده و آنها را دعوت کن که مسئله حکومت را شورایی میان مسلمانان قرار دهند، تا بر همان روشی باشد که عمر بن

منابع.....

- ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۳۷۵، *شرح نهج‌البلاغه*، تهران، نشر نی.
- ابن عبدالربه، احمد بن محمد، ۱۹۹۹، *عقد الفرید*، بیروت، دار مکتبه الهلال.
- ابن اثیر، عزالدین، ۱۳۷۰، *اسد‌الغابه فی معرفة الصحابه*، بیروت، دار الاحیاء تراث العربی.
- ، بی‌تا، *تاریخ‌الکامل*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد، ۱۴۱۱ق، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۲۰۰۱، *فتح‌الباری بشرح صحیح البخاری*، مصر، دار الطباعة.
- ابن حنبل، احمد، ۱۴۲۰ق، *الزهده*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن‌سعد، محمد بن، ۱۳۷۴، *طبقات‌الکبری*، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *المناقب*، قم، علامه.
- ابن‌صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، ۱۴۲۷ق، *مقدمه فی علوم‌الحديث*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن‌قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۳۸۰، *الامامة و السیاسة*، تهران، ققنوس.
- ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن، ۱۴۰۷ق، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر.
- ایزدی، کامران و محمد جانی‌پور، ۱۳۹۰، «تحلیل و نقد نامه‌های معاویه به امیرالمؤمنینؑ»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ش ۱۵، ص ۴۴-۵.
- بالذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ق، *الانساب و الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
- زکی صفوت، احمد، بی‌تا، *جمهرة رسائل العرب*، بیروت، المکتبه العلمیه.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۷۱، *الاحتجاج*، ترجمه و شرح احمد غفاری، تهران، مرتضوی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، *تاریخ‌الرسول و الامم و الملوک (تاریخ طبری)*، تهران، اساطیر.
- غلامپور، علیرضا، ۱۳۹۳، «رفتارشناسی طلحه و زبیر بر پایه مکاتبات در دوره خلافت امام علیؑ»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ش ۳۷، ص ۶۹-۹۰.
- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۰۰ق، *المحصل فی علم‌الأصول*، تحقیق طه جابر العلوانی، ریاض، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
- ماحوزی، احمد، ۱۴۲۴ق، *سلسلة الأحادیث الصحیحة و الحسنه فی فضائل الإمام علیؑ*، کویت، مکتبه الحسینیة الجدیة.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۳۸۳، *الجمال*، تهران، نشر نی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴، *البدء و التاریخ*، بی‌جا، مکتب الثقافیه و الدینیة.
- یعقوبی، احمد بن واضح، ۱۳۷۱، *تاریخ یعقوبی*، تهران، علمی و فرهنگی.